

رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با رفتارهای غیراجتماعی و اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی در بازی

فریبا خوشبخت*

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با رفتارهای اجتماعی و غیراجتماعی در بازی کودکان پیش‌دبستانی بود. بدین منظور از نمونه‌ای متشکل از ۱۰۰ کودک ۶-۳ ساله شهر شیراز استفاده شد که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. پژوهش حاضر از نوع همبستگی و ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس تجدد در شیوه‌های فرزندپروری (شیفرن و آگارتون، ۱۹۸۵) و مقیاس رفتار بازی کودکان پیش‌دبستان (کوپلن و رابین، ۱۹۹۸) بود. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیری بیان‌کننده وجود قدرت پیش‌بینی‌کنندگی باورهای ترقی‌خواهانه والدین برای رفتار کم‌گویی، رفتار گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن کودکان بود. باورهای مستبدانه والدین، رفتارهای کم‌گویی کودکان را پیش‌بینی می‌کرد. نتایج نیز نشان‌دهنده تفاوت‌الگوی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی شیوه‌های فرزندپروری والدین برای رفتارهای کودکان در بازی در گروه دختران نسبت به پسران بود.

کلیدواژه‌ها

شیوه‌های فرزند پروری، رفتار کم‌گویی، رفتار گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن، جنسیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار بخش مبانی تعلیم و تربیت دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای کودکان همواره مورد توجه محققان و متخصصان بوده است. رفتارهای کودکان در موقعیت‌های متعددی مشاهده شدنی است. بازی از مناسب‌ترین فعالیت‌هایی است که در آن می‌توان رفتارهای کودکان را به خوبی بررسی کرد. در پیش از دبستان بازی، بیان فعالیت‌های کودکان و تجلی آفرینش معانی توسط آنهاست (کوروسارو^۱، ۱۹۹۷) که دریچه‌ای را در برابر متخصصان می‌گشاید تا از طریق آن رشد آن‌ها را مشاهده کنند (گاگنون و ناگل^۲، ۲۰۰۴). بازی به رشد ذهنی و کسب مهارت‌های اجتماعی در کودکان کمک می‌کند. همچنین پیشرفت و پیچیدگی بازی نشانه پیشرفت کنش‌های شناختی و اجتماعی آنهاست، به طوری که بسیاری معتقدند سطح بازی یک کودک نشان از سطح تفکر و رشد اجتماعی او دارد (هیوز، ۱۳۸۴؛ جانسون^۳ و همکاران، ۱۹۸۰). از آنجا که بازی به عنوان روش طبیعی عمل کردن کودکان در محیط پیرامونشان در نظر گرفته می‌شود (دالبرگ و تاگوچی^۴، ۱۹۹۴) و نشان‌دهنده سلسله مراحل رشد منظم در دوران کودکی است، ارزیابی بازی کودکان می‌تواند شاخص‌هایی از پختگی و شایستگی اجتماعی را برای محققان فراهم کند (فیول و کامینسکی^۵، ۱۹۸۸). در این راستا، ابزارهایی که بر اساس بازی ساخته شده باشند، برای ارزیابی مهارت‌ها و رفتارهای ارتباطی و اجتماعی در کودکان کوچک‌تر به کار می‌روند. متخصصان معتقدند کودکان از طریق بازی رفتارهای اجتماعی مناسب از جمله مهربانی، همدلی، تحمل، شایستگی اجتماعی، تخیل و تعامل اجتماعی (مور، ۲۰۰۴) را یاد می‌گیرند. کاپلن و رابین^۶ (۱۹۹۸) ضمن بررسی انواع رفتارهای کودکان در بازی سه طبقه از رفتارهای غیراجتماعی و دو دسته از رفتارهای بازی اجتماعی و بازی خشن^۷ را شناسایی کردند. زمانی که کودک در بازی با دیگر کودکان بازی می‌کند، به صورت کلامی عقاید خود را با دیگران در میان می‌گذارد و سعی می‌کند که از رفتارهای دیگران تقلید کند او دارای

-
1. Corsaro,
 2. Gagnon & Nagle
 3. Johnson
 4. Dahlberg & Taguchi
 5. Fewell & Kaminski
 6. Coplan & Rabin
 7. Rough

دیگران در میان می‌گذارد و سعی می‌کند که از رفتارهای دیگران تقلید کند او دارای بازی اجتماعی است. سه طبقه از رفتارهای غیراجتماعی که هر کدام دارای زیر بنایی از مکانیزم‌های روانشناسی هستند، عبارتند از رفتارهای کم‌گویی^۱، گوشه‌گیری منفعل^۲ و گوشه‌گیری فعال^۳. وقتی کودکی بدون آن‌که با همسالان خود بازی کند فقط به مدت طولانی آن‌ها را تماشا می‌کند او دارای رفتارهای کم‌گویی است (کاپلن و همکاران، ۱۹۹۴). در میان کودکان پیش از دبستان این نوع رفتار غیراجتماعی با ابعاد آشکاری از رفتارهای مضطربانه و تردید آمیز در مدت بازی همراه است (کاپلن و رابین، ۱۹۹۸). رفتارهای گوشه‌گیری منفعل رفتارهایی را شامل است که در آن کودک به تنهایی اشیاء و فعالیت‌های ساختنی را بررسی می‌کند. اگر چه این نوع رفتارها در کودکی اولیه توسط والدین، همسالان و معلمان تشویق می‌شوند، اما این رفتارها در دوران پیش‌دبستان با نشانه‌هایی از ناسازگاری همراه است (کاپلان^۴ و همکاران، ۱۹۹۴). رفتارهای گوشه‌گیری فعال به فعالیت‌های حسی- حرکتی تکراری با/ یا بدون اشیا گفته می‌شود که توأم با گوشه‌گیری نمایشی (البته، وقتی گروه حضور دارد) و رفتارهای تکانشی است و با فقدان پذیرش کودک از طرف همسالان و داشتن مشکلات بیرونی از جمله پرخاشگری در سال‌های پیش از دبستان همراه است (رابین و میلز^۵، ۱۹۸۸). در پژوهش حاضر انواع مختلف رفتارهای کودکان در بازی از نقطه نظر کاپلن و رابین (۱۹۹۸) با توجه به فرزندپروری والدین بررسی شد.

خانواده اولین نهاد اجتماعی است که کودک در آن رشد می‌یابد و از آن تأثیر می‌پذیرد. متخصصان فراوانی با توجه به چگونگی کارکرد خانواده و اثر آن بر افراد خانواده به پژوهش و مطالعه اقدام کرده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به سامانی (۲۰۰۵) اشاره کرد. او در تبیین سیستم خانواده مدل فرایند و محتوای خانواده را طرح کرد. در این مدل، هر خانواده از طریق سه بعد فرایندها، محتوا و بافت اجتماعی مشخص می‌شود. بعد فرایند خانواده شامل کنش‌هایی مانند تصمیم‌گیری و فرزندپروری است که به خانواده سازمان می‌بخشد. بعد محتوای خانواده،

-
1. Reticent behavior
 2. Solitary-passive behavior
 3. Solitary-active behavior
 4. Coplan
 5. Rubin& mills

مواردی همچون سلامتی، شغل، در آمد و... را شامل می‌شود. بعد اجتماعی نیز نظام اعتقادی است که خانواده در آن شکل می‌گیرد. در این مدل ذکر شده است که خانواده دارای فرایند مناسب، کنش‌هایی دارد که به خانواده در انطباق با شرایط و نیازهای جدید کمک می‌کند و البته، محتوای مناسب هم داشته باشد (سلامت، شغل، درآمد و...) خانواده‌ای سالم است که در آن افراد خانواده، میزان اضطراب، استرس و افسردگی پایین دارند. البته، شایان ذکر است که رشد کودک تنها تحت تأثیر خانواده نیست. همان‌طور که برون فن برنر (۱۹۸۶) نیز در مدل سیستمی خود درباره رشد کودک از آن بحث می‌کند. از نقطه نظر برون فن برنر عوامل مؤثر بر رشد کودک به صورت سیستمی عمل می‌کنند. یعنی کودک نه تنها تحت تأثیر خانواده است، بلکه از طریق تأثیر اجتماع بر خانواده، و به دنبال آن تأثیر گرفتن اجتماع از جامعه جهانی، تحت تأثیر محیط‌های بزرگ‌تر از خانواده هم قرار می‌گیرد که مستقیماً با آن‌ها در ارتباط نیست. اما خانواده جایی است که مستقیم با آن در ارتباط است. بنابراین، محیطی که کودکان در آن پرورش می‌یابند در شکل‌گیری رفتارهای آن‌ها مؤثر است و شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند عنصری مهم در این محیط تلقی شود. باورهای فرزندپروری به شناخت‌ها و نگرش‌های والدین درباره چگونگی ارتباط والدین با فرزندان و بالعکس اشاره می‌کند (هان، ۲۰۰۶). نگرش‌های فرزندپروری در میان افراد بسیار متنوع است و تمرکز بسیاری از پژوهش‌ها بوده است. این نگرش‌ها شامل سبک والدین درباره آسان‌گیر بودن یا سختگیر بودن یا باور والدین درباره پرخاشگری و تنبیه است (پیتون، ۱۹۹۷). باورهای فرزند پروری را اولین بار بامریند^۱ (۱۹۷۱) بیان کرد. او دو مدل از سبک‌های فرزندپروری را بیان کرد که در میزان درجه گرمی والدین و سبک والدین از استبداد یا کنترل بر کودکان از یکدیگر متمایز می‌شدند. در این دیدگاه دو سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه وجود دارد (شیفر و اگرتون، ۱۹۸۵) که در کودکان ۳ تا ۶ سال سبک مقتدرانه با مشکلات کمتر و کفایت تحصیلی بهتر کودکان همراه است و در مقابل شیوه مستبدانه با پیشرفت و شایستگی کودکان پیش‌دبستانی رابطه منفی دارد (کمپل و همکاران، ۱۹۹۱).

کودکان شدیداً تحت تأثیر سطح سستی بودن نگرش والدین خود در شیوه‌های فرزندپروری

قراردارند. والدین سنتی به ایدئولوژی استبدادی ارزش می‌نهند و از استقلال کودک خود حمایت نمی‌کنند. از طرف دیگر والدین ترقی‌خواه خلّاقیت، آزادی در نظریات و کیفیت را مهم‌تر از اطاعت می‌دانند (هان، ۲۰۰۶). مطالعات متعددی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رفتار کودکان را بررسی کرده‌اند. سالیوان^۱، (۲۰۰۷) در پژوهشی که در میان خانواده‌های دارای کودکان سن پیش‌دبستانی انجام داد. به این نتیجه رسید که وقتی مادر، به شیوه مستبدانه فرزندان را کنترل داشته باشد آن‌ها مشکلات اجتماعی شدن بیشتری دارند و مادران کودکان دارای مشکلات کمتر بیشتر محافظت‌کننده بودند و شیوه کترلی نداشتند. هاسکت^۲ و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند که فرزندپروری والدین در شکل دهی عملکرد عاطفی - اجتماعی کودکان آن‌ها نقش عمده‌ای دارد. پریا^۳ و همکاران (۲۰۰۹) نیز رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و رفتار کودکان دبستانی را بررسی کردند. آن‌ها چهار شیوه فرزندپروری حمایت کم، کنترل کننده - حامی، کنترل - طرد کننده و حامی را اندازه‌گیری کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد کودکان والدین حمایت کم و کنترل - طرد کننده نسبت به کودکان والدین حامی و کنترل کننده - حامی دارای مشکلات رفتاری بیشتری بودند. همچنین فرزندان والدین حمایت کننده کم و کنترل - طرد کننده بیشتر درون‌گرا بودند. گارسیا^۴ و گارسیا (۲۰۰۹) خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، عاطفی، خانوادگی و جسمانی) فقدان سازگاری روانی - اجتماعی (دشمنی و پرخاشگری) و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ۱۲ - ۱۷ ساله را بررسی کردند. شیوه‌های فرزندپروری والدین در این پژوهش به چهار طبقه افراطی، ترقی‌خواه، بی‌خیال و مستبد تقسیم بندی شده بودند. نتایج نشان داد که والدین ترقی‌خواه و افراطی نسبت به والدین بی‌خیال و مستبد دارای فرزندان با اعتماد به نفس و سازگاری روانی - اجتماعی بالاتر و مشکلات رفتاری کمتر بودند. کارولین^۵ (۲۰۰۷) نیز طی مطالعه ۸۹ خانواده دارای کودکان سن پیش از دبستان، دریافت که شیوه فرزندپروری مستبدانه والدین مشکلات درون‌گرایی (افسردگی و اضطراب) کودکان را افزایش می‌دهد و از قابلیت‌های

-
1. Sullivan
 2. Haskett
 3. Pereira
 4. Gaicia
 5. Coroline

اجتماعی آن‌ها می‌کاهد. همچنین رلفز^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نتایجی مشابه مطالعه کارولین به دست آوردند. آن‌ها شیوه‌های فرزندپروری والدین و سبک دلبستگی کودکان بر مشکلات درون‌گرایی (اضطراب و افسردگی) و برون‌گرایی (از جمله خصومت و پرخاشگری) را در کودکان ۹ - ۱۲ ساله بررسی کردند و تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین را بر رفتارهای کودکان نشان دادند. گیلورد^۲ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی به آزمون رابطه بین ادراک والدین و کودکان از شیوه‌های فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان کلاس سوم-پنجم ابتدایی اقدام کردند. آن‌ها دریافتند که با افزایش حمایت والدین از فرزندان، سازگاری اجتماعی- روانی کودکان در کلاس درس افزایش می‌یابد. الین^۳ (۱۹۹۹) نیز طی مطالعه‌ای، در میان کودکان کلاس پنجم به همراه والدین آن‌ها، متوجه شد فرزندان والدینی که کنترل‌کننده هستند، نسبت به والدینی که در برخورد با فرزندان از استدلال استفاده می‌کنند، دارای رفتارهای جامعه‌پسند کمتری هستند. در ایران نیز مطالعاتی شیوه‌های فرزندپروری والدین و ارتباط آن با رفتارهای فرزندان را بررسی کرده‌اند. از جمله سیفی‌گندمانی و همکاران (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که بی‌اعتنایی والدین بدترین عواقب را برای نوجوانان به دنبال دارد و داشتن حداقل یک والد مقتدر می‌تواند نتایج بهتری برای فرزندان نوجوان داشته باشد. زارعی (۱۳۸۹) نیز در مطالعه‌ای که رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و رفتارهای پرخطر نوجوانان را بررسی کرده بود نتایج مشابهی را به دست آورد. بهرامی احسان و همکاران (۱۳۸۷) در بررسی سلامت روان و مؤفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی دریافتند که فرزندان والدین قاطع و اطمینان‌بخش نسبت به فرزندان والدین استبدادی و سهل‌گیر از سلامت روان و مؤفقیت تحصیلی بالاتری برخوردارند خوشبخت و البرزی (۱۳۸۸) نیز دریافتند که بین پرخاشگری، اضطراب و گوشه‌گیری کودکان و رفتارهای غیراجتماعی کودکان در بازی رابطه مثبت و با بازی اجتماعی رابطه منفی وجود دارد. هم‌چنین خوشبخت (۱۳۸۸) ضمن بررسی شیوه‌های فرزندپروری با اختلالات رفتاری کودکان دریافت که والدین در مقابل فرزندان پسر نسبت به دختران سستی‌تر و در مقابل دختران، کودک محورتر هستند و هر چقدر

-
1. Roelofs
 2. Gaylord
 3. Elaine

والدین در نحوه فرزندپروری خود قائل به بزرگسال محوری باشند، میزان گوشه‌گیری و پرخاشگری کودکان افزایش می‌یابد.

مطالعاتی نیز در جهت نشان دادن تفاوت شیوه فرزندپروری والدین در قبال دختران نسبت به پسران انجام شده است. رلفز و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که نه تنها نحوه فرزندپروری والدین در قبال دختران و پسران با یکدیگر فرق می‌کند، بلکه شیوه فرزندپروری پدر و مادر (جداگانه) در مقابل دختران و پسران هم با یکدیگر متفاوت است. در پژوهش آن‌ها شیوه‌های فرزندپروری طردکننده و اضطرابی مادر مشکلات درون‌گرایی در پسران و دختران و مشکلات برون‌گرایی را فقط در دختران پیش‌بینی می‌کند. همچنین زینا^۱ (۲۰۰۴) با بررسی ۶۰ خانواده دانش‌آموزان کلاس چهارم و پنجم ابتدایی دریافت که شیوه فرزندپروری والدین با توجه به جنسیت فرزند متفاوت است. بدین معنا که در قبال پسران نسبت به دختران بیشتر به باورهای ترقی‌خواهانه معتقد هستند تا باورهای مستبدانه.

مطالب بالا نشان داد که باورهای فرزندپروری والدین می‌تواند بر رفتارهای کودکان از جمله رفتارهای اجتماعی یا غیراجتماعی آن‌ها تأثیر بگذارد، اما این نکته که آیا شیوه‌های فرزندپروری می‌تواند نوع رفتارهای کودکان در بازی را هم پیش‌بینی کند؟ و این پیش‌بینی برای انواع مختلف رفتارهای کودکان در بازی چگونه است؟، به خصوص تا کنون در گروه سنی ۳-۶ سال بررسی نشده است. با توجه به این که رفتارهای اجتماعی افراد در کودکی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده شهروند اجتماعی خوب در بزرگسالی و ضامن سلامت روان فرد و جامعه باشد و همچنین به دلیل اهمیت داشتن نقش بازی در رشد اجتماعی کودکان و در راستای پژوهش‌های مذکور پیشین، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤال‌های زیر انجام شد:

۱- آیا شیوه‌های فرزندپروری والدین (ترقی‌خواهانه^۲ مستبدانه^۳) می‌تواند پیش‌بینی‌کننده معناداری برای رفتارهای کودکان در بازی (رفتارهای کم‌گویی، رفتارهای گوشه‌گیری منفعل، رفتارهای گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و رفتارهای خشن) باشد؟

-
1. Zina
 2. Progressive beliefs
 3. Authoritarian beliefs

۲- آیا تفاوت معناداری بین شیوه‌های فرزندپروری والدین دختران نسبت به والدین پسران وجود دارد؟

۳- آیا شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده معناداری برای رفتارهای کودکان پسر، در بازی باشد؟

۴- آیا شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده معناداری برای رفتارهای کودکان دختر، در بازی باشد؟

روش پژوهش

جامعه آماری مطالعه حاضر حدوداً تمام ۸۰۰۰ کودک ۳ - ۶ ساله مراکز مهد کودک (تحت پوشش بهزیستی) شهر شیراز بود.

نمونه پژوهش حاضر ۱۰۰ کودک ۳ - ۶ ساله از دو مهد کودک شهر شیراز بودند. که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. به بیانی دیگر از بین مهد کودک‌های شهر شیراز ابتدا دو مهد کودک به صورت تصادفی انتخاب و سپس از میان کودکان ۳ - ۶ ساله، ۱۲۰ نفر (هر مرکز ۶۰ نفر) به صورت تصادفی برگزیده شدند. از آنجا که پرسش‌نامه‌های مربوط به ۱۹ نفر به محقق بازگردانده نشد و اطلاعات مربوط به یک نفر به دلیل کامل نبودن از تحلیل داده‌ها حذف شد، تعداد نهایی افراد نمونه به ۱۰۰ نفر رسید. شایان ذکر است که سرمد و همکاران (۱۳۷۶) در کتاب «روش‌های تحقیق در علوم رفتاری» و آری و همکاران (۱۳۸۰) در کتاب «روش تحقیق در تعلیم و تربیت» حداقل حجم نمونه برای مطالعات غیر آزمایشی را ۳۰ نفر ذکر کرده‌اند. بنابراین، با توجه به این مطلب حجم نمونه ۱۰۰ نفری برای پژوهش حاضر که از نوع همبستگی است، مناسب به نظر می‌رسد.

ابزار پژوهش

در مطالعه حاضر برای اندازه‌گیری متغیرها از دو ابزار به قرار ذیل استفاده شد:

۱- مقیاس تجدد در شیوه‌های فرزندپروری (شیفرن و آگارتون، ۱۹۸۵). از این مقیاس برای ارزیابی شیوه‌های فرزندپروری استفاده شد. این ابزار از پرکاربردترین ابزارها برای اندازه‌گیری شیوه‌های فرزندپروری والدین در خصوص کودکان کوچک‌تر است، به طوری که در بسیاری از مطالعات جدیدتر نیز از این ابزار استفاده می‌شود. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان

به مطالعات هان (۲۰۰۶) و پرریا و همکاران (۲۰۰۹) اشاره کرد. این مقیاس ۳۰ گویه دارد که دو بعد باورهای ترقی خواهانه و باورهای مستبدانه والدین به همراه نمره کل را ارزیابی می‌کند و توسط والدین تکمیل می‌شود. این مقیاس ابتدا از انگلیسی به فارسی ترجمه و انطباق فرهنگی داده شد. برای محاسبه پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که برای بعد باورهای ترقی خواهانه ۰/۷۹ و بعد باورهای مستبدانه ۰/۷۶ به دست آمد. به منظور روایی مقیاس ضرایب همبستگی هر بعد با بعد دیگر و با نمره کل محاسبه شد. این ضریب برای دو بعد با یکدیگر ۰/۴۸ و برای نمره کل با بعد باورهای ترقی خواهانه ۰/۸۷ و بعد باورهای مستبدانه ۰/۹۱ به دست آمد.

۲- مقیاس رفتار بازی کودکان پیش‌دبستان (کوپلن و رابین، ۱۹۹۸). برای اندازه‌گیری رفتارهای کودکان در بازی از این مقیاس استفاده شد. کوپلن نیز از این ابزار در مطالعات جدیدتر خود استفاده کرده است (کوپلن و همکاران، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴). این ابزار پنج بعد دارد که رفتارهای کم‌گویی، رفتارهای گوشه‌گیری منفعل، رفتارهای گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و رفتارهای خشن را اندازه‌گیری می‌کند و مربی آن را تکمیل می‌کند. این مقیاس از انگلیسی به فارسی ترجمه و انطباق فرهنگی داده شد. برای محاسبه پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که برای ابعاد رفتار کم‌گویی، گوشه‌گیری منفعل، گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و رفتار خشن به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۷۴، ۰/۶۷، ۰/۹۳ و ۰/۸۰ به دست آمد. برای احراز روایی مقیاس، هم والدین و هم مربیان آن را تکمیل کردند و همبستگی بین نظر مربیان و والدین محاسبه شد که برای ابعاد ذکر شده به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۶۵، ۰/۷۱ و ۰/۶۹ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

نتایج با توجه به سؤال‌های پژوهش در سه بخش قدرت پیش‌بینی کنندگی شیوه فرزندپروری والدین برای رفتارهای کودکان در بازی در کل نمونه، مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین پسران با والدین دختران و قدرت پیش‌بینی کنندگی نوع شیوه فرزندپروری والدین برای رفتارهای کودکان در بازی به تفکیک در دختران و پسران ارائه می‌شود.

الف) قدرت پیش‌بینی کنندگی شیوه فرزندپروری والدین برای رفتارهای کودکان در بازی

برای بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی شیوه‌های فرزندپروری والدین (باورهای ترقی‌خواهانه و باورهای مستبدانه والدین) برای رفتارهای کودکان در بازی (کم‌گویی، گوشه‌گیری منفعل، گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن) از آزمون آماری رگرسیون چند متغیری به شیوه همزمان استفاده شد نتایج در جدول ادرج شده است.

جدول ۱: رگرسیون رفتار کم‌گویی، رفتار گوشه‌گیری منفعل، رفتار گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و

بازی خشن کودکان بر باورهای ترقی‌خواهانه و باورهای مستبدانه والدین

متغیر	رفتار کم‌گویی			رفتار گوشه‌گیری منفعل			رفتار گوشه‌گیری فعال			بازی اجتماعی			بازی خشن		
	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R
باورهای ترقی‌خواهانه والدین	-۰/۱۸*	۰/۰۷	۰/۲۸	۰/۱۰	۰/۵۱	۰/۱۱	۰/۳۵	۰/۰۹	۰/۳۳**	۰/۲۱	۰/۰۴	۰/۲**	۰/۳۷	۰/۱۴	۰/۴**
باورهای مستبدانه والدین	۰/۲۵**			۰/۰۱			۰/۰۴			-۰/۰۶			-۰/۰۷		

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد:

باورهای ترقی‌خواهانه والدین به صورت منفی ($\beta = -0/18$ و $p < 0/05$) و باورهای مستبدانه والدین به صورت مثبت ($\beta = 0/25$ و $p < 0/01$)، رفتار کم‌گویی کودکان را پیش‌بینی می‌کند. به بیانی دیگر با افزایش باورهای ترقی‌خواهانه والدین، رفتارهای کم‌گویی کودکان کاهش و با افزایش باورهای مستبدانه والدین، رفتار کم‌گویی کودکان افزایش می‌یابد. همچنین باورهای ترقی‌خواهانه والدین به صورت مثبت به پیش‌بینی، رفتارهای گوشه‌گیری فعال ($\beta = 0/3$ و $p < 0/01$)، بازی اجتماعی ($\beta = 0/2$ و $p < 0/01$) و بازی خشن ($\beta = 0/4$ و $p < 0/01$) در کودکان اقدام می‌کند. به عبارت دیگر با افزایش باورهای ترقی‌خواهانه والدین، رفتار گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن کودکان افزایش می‌یابد. همچنین باورهای مستبدانه والدین قدرت پیش‌بینی کنندگی معنادار برای رفتار گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن کودکان نداشت.

ب) مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین دختران نسبت به والدین پسران

برای ارزیابی تفاوت بین شیوه‌های فرزندپروری والدین برای دختران و پسران از آزمون آماری t-test برای گروه‌های مستقل در نمره کل و ابعاد مقیاس تجدید در شیوه‌های فرزندپروری استفاده شد. نتایج در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲: مقایسه میانگین نمرات والدین دختران و پسران در متغیرهای باورهای ترقی خواهانه، مستبدانه و نمره کل

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
باورهای ترقی خواهانه	دختر	۳۰/۵	۳/۲	۲/۱۲	۰/۰۵
	پسر	۳۱/۱۷	۴/۴		
باورهای مستبدانه	دختر	۶۶/۸۷	۶/۱	۲/۱۷	۰/۰۵
	پسر	۵۹/۷	۸/۳		
نمره کل	دختر	۹۸	۷/۴	۲/۷۸	۰/۰۱
	پسر	۹۰/۲	۹/۵		

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد باورهای ترقی خواهانه، باورهای مستبدانه و نمره کل شیوه‌های فرزندپروری والدین پسران نسبت به دختران با یکدیگر تفاوت معناداری دارد (به ترتیب $p < ۰/۰۵$ و $t = ۲/۱۲$ ، $p < ۰/۰۵$ و $t = ۲/۱۷$ و $p < ۰/۰۱$ و $t = ۲/۷۸$). به طوری که والدین پسران نسبت به دختران بیشتر معتقد به باورهای ترقی خواهانه هستند.

با توجه به مقادیر کم R^2 ، در زمانی که شیوه‌های فرزندپروری، رفتارهای کودکان در بازی و در کل نمونه را پیش‌بینی می‌کرد (جدول ۱)، و نیز وجود تفاوت در شیوه‌های فرزندپروری والدین پسران نسبت به والدین دختران، به نظر می‌رسد نقش متغیر جنسیت در این پژوهش با اهمیت باشد. به این دلیل در مطالعه حاضر آزمون رگرسیون جداگانه برای دختران و پسران محاسبه شد. نتایج در جداول ۳ و ۴ گزارش شده است.

ج) قدرت پیش‌بینی کنندگی شیوه فرزندپروری والدین برای رفتارهای کودکان در بازی به تفکیک در دختران و پسران

برای پاسخگویی به سؤال‌های سوم و چهارم پژوهش، آزمون رگرسیون جداگانه برای

دختران و پسران محاسبه شد. نتایج در جداول ۳ و ۴ گزارش شده است.

جدول ۳: رگرسیون رفتار کم‌گویی، رفتار گوشه‌گیری منفعل، گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن کودکان بر باورهای ترقی‌خواهانه و باورهای مستبدانه والدین در پسران

متغیر	رفتار کم‌گویی			رفتار گوشه‌گیری منفعل			رفتار گوشه‌گیری فعال			بازی اجتماعی			بازی خشن		
	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R
باورهای ترقی‌خواهانه والدین	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۰۳	۰/۱۶	۰/۲۷	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۱۱	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۲۳	۰/۴۸	۰/۴۸
باورهای مستبدانه والدین	۰/۳۱**			-۰/۱۶			-۰/۲۷*			-۰/۲۷*			-۰/۲۷*		

جدول ۴: رگرسیون رفتار کم‌گویی، رفتار گوشه‌گیری منفعل، گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن کودکان بر باورهای ترقی‌خواهانه و باورهای مستبدانه والدین در دختران

متغیر	رفتار کم‌گویی			رفتار گوشه‌گیری منفعل			رفتار گوشه‌گیری فعال			بازی اجتماعی			بازی خشن		
	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R	β	R^2	R
باورهای ترقی‌خواهانه والدین	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۱۷	۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۲۷	۰/۲۰	۰/۴۵	۰/۴۵	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۸*	۰/۲۸*	۰/۲۸*
باورهای مستبدانه والدین	۰/۰۴			۰/۲۷			۰/۲۵			-۰/۲۲			۰/۳۶*		

در جدول ۳ نتایج مربوط به تحلیل داده‌ها در پاسخ‌گویی به سؤال سوم پژوهش آورده شده است. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود: در پسران شیوه فرزندپروری والدین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای رفتار کم‌گویی دارد، به طوری که باورهای ترقی‌خواهانه والدین به صورت منفی ($\beta = -0/22$ و $p < 0/05$) و باورهای مستبدانه به صورت مثبت ($\beta = 0/31$ و $p < 0/01$)، رفتار کم‌گویی پسران را پیش‌بینی می‌کند. به بیانی دیگر با افزایش باورهای ترقی‌خواهانه والدین رفتارهای کم‌گویی پسران کاهش و با افزایش باورهای مستبدانه رفتار کم‌گویی آن‌ها افزایش می‌یابد. همچنین باورهای ترقی‌خواهانه والدین به صورت مثبت ($\beta = 0/52$ و $p < 0/01$) و باورهای مستبدانه به صورت منفی ($\beta = -0/27$ و $p < 0/01$) به پیش‌بینی رفتار گوشه‌گیری فعال اقدام می‌کند. این جدول نشان می‌دهد که بازی اجتماعی توسط باورهای ترقی‌خواهانه والدین به صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌شود ($p < 0/01$)

و $\beta = 0/42$)، اما باورهای مستبدانه به صورت منفی این متغیر را پیش‌بینی می‌کند ($p < 0/05$) و بازی خشن نیز در پسران به صورت مثبت توسط باورهای ترقی‌خواهانه ($\beta = -0/27$) و به صورت منفی توسط باورهای مستبدانه والدین ($p < 0/05$) و $\beta = -0/27$) پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۴ نتایج تحلیل داده‌ها در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش را نشان می‌دهد که قدرت پیش‌بینی کنندگی شیوه‌های فرزندپروری والدین برای رفتارهای کودکان دختر در بازی را بررسی می‌کند. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد شیوه فرزندپروری والدین قدرت پیش‌بینی کنندگی معنادار برای رفتار کم‌گویدر گروه دختران را ندارد، اما درباره رفتار گوشه‌گیری فعال این‌گونه نیست. در حالی که باورهای ترقی‌خواهانه به صورت منفی رفتار گوشه‌گیری فعال دختران را پیش‌بینی می‌کند ($\beta = -0/36$ و $p < 0/05$)، باورهای مستبدانه والدین پیش‌بینی کننده معناداری برای این رفتار نیست. همچنین بازی اجتماعی کودکان دختر توسط باورهای ترقی‌خواهانه والدین به صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌شود ($\beta = 0/28$ و $p < 0/05$) و باورهای مستبدانه پیش‌بینی کننده معناداری برای این نوع بازی در آن‌ها نیست. و در نهایت بازی خشن دختران به صورت مثبت توسط باورهای مستبدانه ($\beta = 0/36$ و $p < 0/05$) پیش‌بینی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه در راستای پاسخ به اولین سؤال پژوهش، (آیا شیوه‌های فرزندپروری والدین (ترقی‌خواهانه، مستبدانه) می‌تواند پیش‌بینی کننده معناداری برای رفتارهای کودکان در بازی باشد؟) به این نتیجه دست یافت که با افزایش باورهای ترقی‌خواهانه والدین رفتارهای کم‌گویی کودکان کاهش و با افزایش باورهای مستبدانه والدین رفتار کم‌گویی کودکان افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش باورهای ترقی‌خواهانه والدین رفتار گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن کودکان افزایش می‌یابد. به بیان دیگر وقتی والدین معتقدند که به کودکان باید اجازه داد تا نظرات خود را ابراز کنند و در یادگیری‌های خود دخالت کنند، آن‌گاه کودکان در بازی وانمودسازی شرکت می‌کنند، به هنگام بازی با بقیه کودکان صحبت می‌کنند و کمتر از کودکان دیگر کناره می‌گیرد. در مقابل باور والدین به اطاعت کودک از بزرگسال و

اعتقاد به استفاده از اجبار برای انجام دادن کار از سوی کودکان و باور این‌که کودک باید وظیفه شناس بدون چون و چرای والدین باشند می‌تواند به این منجرشود که کودکان آن‌ها در بازی تماشاگر بچه‌های دیگر شوند، در کلاس بدون هدف بچرخد و برای ورود به بازی کودکان دیگر تلاش نکنند. در کل نتایج این پژوهش بیان‌کننده این بود که شیوه‌های فرزندپروری والدین بر بروز رفتارهای کودکان در بازی اثر می‌گذارد به طوری‌که با افزایش باور ترقی خواهانه والدین رفتار کودکان بیشتر به سمت رفتارهای اجتماعی سوق می‌یابد. چنین نتایجی در مطالعات پیشین (از جمله: پرریا و همکاران (۲۰۰۹)؛ گارسیا و گارسیا (۲۰۰۹) و کارولین (۲۰۰۷) هم دیده شده است. برای نمونه مطالعه پرریا و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که وقتی خانواده حامی و دلگرم کننده کودک باشد مشکلات رفتاری او کاهش می‌یابد. در مطالعه حاضر نیز نشان داده شد که وقتی والدین باور ترقی خواهانه دارند یعنی در تربیت فرزندان خود از فشار استفاده نمی‌کنند، بلکه با کودکان خود صحبت می‌کنند و درباره مسائل به توافق می‌رسند، به صورت کلی حامی فرزندان خود هستند، میزان رفتارهای اجتماعی آن‌ها در بازی افزایش می‌یابد که بروز رفتارهای اجتماعی خود می‌تواند شاخصی از کاهش مشکلات رفتاری باشد.

نتایج ذکر شده در بالا با توجه به مدل فرایند، محتوای خانواده (سامانی، ۲۰۰۵) می‌تواند توجیه‌پذیر باشد. به عبارت دیگر چنین رابطه‌ای در مدل فرایند، محتوای خانواده پیش‌بینی شده است. در این مدل ذکر شده است که خانواده دارای فرایند مناسب، کنش‌هایی دارد که به خانواده در انطباق با شرایط و نیازهای جدید کمک می‌کند و البته، محتوای مناسب هم داشته باشد (سلامت، شغل، درآمد و...). خانواده‌ای سالم است که در آن افراد خانواده میزان اضطراب، استرس و افسردگی پایین دارند. در واقع خانواده‌هایی که سبک فرزندپروری دموکراتیک دارند به کودکان اجازه می‌دهند تا در خانواده صحبت کنند در تصمیمات خانواده اظهار نظر کنند، همین امر به افزایش مهارت‌های ارتباطی فرزندان منجر می‌شود و این مهارت‌ها در روابط آن‌ها با کودکان دیگر در بازی اثر می‌گذارد.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند رفتارهای کم‌گویی، گوشه‌گیری فعال، بازی اجتماعی و بازی خشن پسران توسط هر دو باور ترقی خواهانه و مستبدانه والدین پیش‌بینی می‌شود. در حالی‌که در گروه دختران فقط بازی اجتماعی و گوشه‌گیری فعال توسط باورهای ترقی خواهانه و بازی خشن توسط باورهای مستبدانه پیش‌بینی می‌شود. تفاوت‌های مربوط به شیوه‌های

فرزندپروری والدین با توجه به جنسیت کودکان در مطالعات رلفز و همکارانش (۲۰۰۶) و زینا (۲۰۰۴) هم دیده شده است. در رابطه با نتایج پژوهش حاضر نکات ذیل قابل بحث است:

در مطالعه حاضر قدرت پیش‌بینی کنندگی باورهای ترقی خواهانه و باورهای مستبدانه والدین برای رفتارهای خشن کودکان در گروه دختران و پسران متفاوت بوده است. هم‌چنین شیوه‌های فرزندپروری برای رفتارهای کم‌گویی در دختران قدرت پیش‌بینی کنندگی معناداری نداشت، در صورتی‌که در گروه پسران به خوبی پیش‌بینی کننده بود. به عبارت دیگر وقتی والدین معتقدند که باید کودک همیشه از مرجع قدرت (والدین و معلمان) اطاعت کند، وظیفه شناس بدون چون و چرای والدین باشد و اجازه گفتگو با والدین خود را ندارد، فرزند پسر آن‌ها با دوستان خود بیشتر بازی‌های مبارزه‌ای و بدنی انجام می‌دهد، اما دختران کمتر به این نوع بازی‌ها علاقمند هستند. در توجیه این یافته‌ها شاید بتوان گفت که کودکان دختر و پسر از ابتدای تولد درباره برخی از ویژگی‌ها با یکدیگر متفاوت هستند. مثلاً دختران رشد کلامی بیشتری دارند و پسران جنب و جوش بیشتری دارند. بنابراین، والدین دختران در رفتارهای خود با آن‌ها تأکیدی بر رفتارهای کلامی ندارند، اما در رفتار با پسران چنین نیست. درباره بازی‌های خشن نیز می‌توان گفت در فرهنگ ما پرخاشگری پسران نسبت به دختران بیشتر مقبول والدین است و به نظر می‌رسد والدین ترقی خواه در رفتار خود به کودکان پسر مجوز پرخاشگری را می‌دهند، اما با رفتارهای مستبدانه سعی در خاموش کردن این رفتار در دختران دارد. به طور کلی از نتایج این پژوهش چنین استنباط می‌شود که در تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین در قبال پسران و دختران، به صورت جداگانه، عوامل دیگری هم دخیل هستند. بنابراین، مطالعه حاضر پیشنهاد می‌کند در پژوهش‌های آینده بررسی عواملی که بعد فرهنگی دارند و می‌توانند متغیرهای پیش‌آیند در الگوی پیش‌بینی کنندگی شیوه‌های فرزندپروری والدین برای بازی کودکان محسوب شوند، مد نظر قرار گیرند. هم‌چنین از عمده‌ترین محدودیت‌ها در پژوهش حاضر همکاری نکردن برخی از والدین در تکمیل پرسش‌نامه بود. که به‌رغم توضیح این‌که این سؤال‌ها ارتباطی با ارزیابی عملکرد کودک در مهد ندارد، باز هم همکاری مناسب را نداشتند. برای جلوگیری از این موضوع در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود از روش مشاهده برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شود.

نکته تامل برانگیز دیگر در این پژوهش وجود مقادیر کم R^2 برای برخی از متغیرها (از

جمله رفتار کم‌گویی و بازی اجتماعی) است. به طور مثال دربارهٔ متغیر رفتار کم‌گویی، مقدار ۰/۰۷ برای این شاخص بیان‌کنندهٔ این است که فقط ۷ درصد از واریانس رفتار کم‌گویی توسط ترکیب خطی دو نوع شیوهٔ فرزندپروری والدین پیش‌بینی می‌شود. این موضوع مبین این است که علاوه بر شیوه‌های فرزندپروری متغیرهای دیگری نیز در پیش‌بینی رفتارهای کودکان در بازی (متغیر وابسته) دخیل هستند؛ در نتیجه بررسی متغیرهای پیشایندهٔ دیگر از جمله ترتیب تولد، تعداد فرزندان، تحصیلات والدین (منطبق با پژوهش‌های پیشین) به همراه شیوه‌های فرزندپروری برای پیش‌بینی رفتارهای کودکان در بازی سودمند به نظر می‌رسد.

به طور خلاصه، نتایج مطالعهٔ حاضر تأثیر مثبت باورهای ترقی‌خواهانهٔ والدین و تأثیر منفی باورهای مستبدانهٔ والدین را در رفتارهای اجتماعی کودکان در بازی نشان داد که می‌تواند تأییدی بر مدل‌های سیستمی در رفتار، مانند مدل برون فربرنر (۱۹۸۶)، باشد. در این مدل‌ها تأکید می‌شود که محیط اطراف فرد بر تمام رفتارهای او تأثیرگذار است. بنابراین، با دادن آموزش‌هایی به والدین در خصوص شیوه‌های فرزندپروری و آگاهی دادن به آن‌ها نسبت به تأثیرات این شیوه‌ها بر رفتارهای کودکان، می‌توان برای بالا بردن رفتارهای اجتماعی کودکان در بازی، که می‌تواند تضمینی برای رفتارهای اجتماعی او در بزرگسالی باشد (رابین و میلز، ۱۹۹۸)، اقدامات لازم را انجام داد.

منابع

آری، دانالد؛ چسر، لوسی و رضویه، اصغر، (۱۳۸۰). روش تحقیق در تعلیم و تربیت، ترجمه وازگن سرکیسیان و مینو نیکو و ایما سعیدیان، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات سنجش برنامه‌ای صدا و سیما.

بهرامی‌احسان، هادی؛ باقرپور کمال‌چی، صغری؛ فتحی‌آشتیانی، علی و احمدی، علی‌اصغر، (۱۳۸۷). بررسی رابطه الگوهای فرزندپروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان، *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، سال سی و هشتم، شماره ۴، ص ۸۷-۱۰۰.

خوشبخت، فریبا، (۱۳۸۸). بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سن، جنسیت و ترتیب تولد برای اختلالات رفتاری کودکان با واسطه‌گری شیوه فرزندپروری در کودکان پیش‌دبستانی. مقاله ارائه شده در همایش کشوری سلامت محوری در طب کودکان، یاسوج.

خوشبخت، فریبا و البرزی، محبوبه، (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین بازی و اختلالات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی. مقاله ارائه شده در کنگره سراسری نقش ورزش در سلامت کودکان، مشهد.

زارعی، اقبال، (۱۳۸۹). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر. *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی* یزد، دوره ۱۸، شماره ۳، ص ۲۲۴-۲۲۰.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه، (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.

سیفی‌گندمانی، محمد یاسین؛ کلانتری‌مبیدی، سارا و فتح، نجمه، (۱۳۸۸). سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پس: رویکردی نو به فرزندپروری، *مجله اصول بهداشت روانی*، سال یازدهم، شماره سوم، ص ۱۹۴-۱۸۵.

هیوز، فرگاس پیتز، (۱۳۸۴). *روانشناسی بازی، کودکان بازی و رشد*. ترجمه کامران گنجی، تهران: رشد.

Baumrind, D.,(1971). Current theories of parental authority. *Developmental Psychology Monographs*, 4(1, part 2), 1-103.

- Bronfenbrenner, U, (1986).** Ecology of the family as a context for human development: Research perspectives. *Developmental Psychology*, 22, 723-742.
- Caroline, S, (2007).** *Parenting and internalizing problems: Testing models of bidirectional socialization in early childhood.* , Ph. D. , Concordia University (Canada).
- Campbell, F. A. , Goldstein S. , Schaefer, E. S. , & Ramey, C. T, (1991).** Parental beliefs and values related to family risk, educational intervention, and child academic competence. *Early Childhood Research Quarterly*, 6, 167-182.
- Coplan, R. J. , & Rabin, K. H, (1998).** Exploring and assessing nonsocial play in the preschool: the development and validation of the preschool play behavior scale. *Social development*, 7(1), 72-91).
- Coplan, R. J. , Rubin, K. H. , Fox, N. A. , & Calkins, S. D, (1994).** Being alone, playing alone, and acting alone: Distinguishing among reticence and passive and active solitude in young children. *Child Development*, 65, 129-137.
- Coplan, R. J. , Gavinski-Molina, M. H. , Lagace-Seguín, D. G. , & Wichmann, C, (2001).** When girls versus boys play alone: Nonsocial play and adjustment in kindergarten. *Developmental Psychology*, 37, 464-474.
- Coplan, R. J. , Prakash, K. , O'Neil, K. , & Armer, M, (2004).** Do you "want" to play? Distinguishing between conflicted shyness and social disinterest in early childhood. *Developmental Psychology*, 40, 244-258.
- Coplan, R. J. (2000).** Assessing nonsocial play in early childhood: Conceptual and methodological approaches. In A. Sandgrund & K. Gitlin-Weiner (Eds.), *Play diagnosis and assessment* (2nd ed. , pp. 563-598). New York, NY: John Wiley & Sons, Inc.
- Corsaro, W. A. (1997).** *The sociology of childhood.* Thousand Oaks, CA: Pine Forge.
- Dahlberg G & Taguchi H L,(1994)** Preschool and School: the encounter of two different traditions and a vision of a possible setting of a fruitful and creative interaction. Paper presented at Settings in Interaction: *4th Annual Conference on the Quality of Early Childhood Education*, Goteburg, Sweden.
- Elaine, F. R,(1999).** *Children's prosocial behavior: Relationships with mothers' parenting style.* , Psy. D. , James Madison University.
- Fewell, R. R. , & Kaminski, R, (1988).** Play skills development and instruction for young children with handicaps. In S. L. Odom & M. B. Karnes (Eds.), *Early intervention for infants and children with handicaps: An empirical base* (pp. 145-158). Baltimore: Paul H. Brookes.
- Gagnon, S. G. , & Nagle, R. J, (2004).** Relationships between peer interactive play and social competence in at-risk preschool children. *Psychology in the Schools*, 41, 173-189.
- Garcia, F. , Garcia, E, (2009).** Is always Authoritative the Optimum Patimum Parenting Style? Evidence from Spanish Families. *Adolescence. Roslyn Heights*, 44(173), 101-132.
- Gaylord, N. K. Kitzmann, Katherine M. Coleman, J. K,(2003)** Parents' and Children's Perceptions of Parental Behavior: Associations with Children's

Psychosocial Adjustment in the Classroom. *Parenting: Science & Practice*, 3(1), 23- 25.

- Han, Y. S. (2006).** *Chronicity of Maternal Depression, Child-Rearing Beliefs, and Child Problematic Behaviors at 54 Months*. M. S. , The University of Texas at Dallas.
- Haskett, M. E, Myers, L. W, Pirrello, V. E, Dombalis, A. O,(1995).** Parenting style as a mediating link between parental emotional health and adjustment of maltreated children , 26(4), 616- 625.
- Johnson, J. E. ,Ershler, J. & Bell, C, (1980).** Play behavior in a discovery-based and a formal-education preschool program. *Child Development*, 51, 271-274.
- Kupersmidt,J. B. , Coie, J. D. , & Dodge, K. A,(1990)** *The role of poor peer relationship in the development of disorder*. New York: Cambridge University Press.
- Moore, T, (2004).** Encouraging Acceptance & Compassion Through Play. *Scholastic Early Childhood Today*, 19(3), 38- 45.
- Pereira ,A. F. , Canavarro, C. , Cardoso, M. F.& Mendonça, D, (2009).** Patterns of Parental Rearing Styles and Child Behaviour Problems among Portuguese School-Aged Children. *Journal of Child and Family Studies*,18(4), 454-465.
- Peyton, V. D , (1997).** *Differential Item Functioning of the Parental Modernity Inventory: A Method Comparison*. Ph. D. , University of Kansas .
- Rubin, K. h& Mills. R. S. L. (1998).** The many faces of social isolation in childhood,*Jornal of Consulting and Clinical Psychology* , 6, 916-924.
- Roelofs , J. , Meesters, C. , ter Huurne, M. , Bamelis, L& Muris , P, (2006).** On the Links Between Attachment Style, Parental Rearing Behaviors, and Internalizing and Externalizing Problems in Non-Clinical Children. *Journal of Child and Family Studies*, 15(3), 331–344.
- Samani, S,(2005).** Family process and content model. Paper presented in international society for theoretical psychology conference, 20-24 June, CapeTown, Sout Aferica.
- Schaefer, E. S. & Edgerton, M,(1985).** Parent and child correlates of parental modernity. In I. E. Sigel (Ed.), *Parental Belief Systems: the psychological consequences for children* (pp. 287-318). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Sullivan , C, (2007).** *Parenting and internalizing problems: Testing models of bidirectional socialization in early childhood*. Ph. D. , Concordia University (Canada).
- Zina ,M. S, (2004).** *Agreement between mothers' and fathers' beliefs and child rearing strategies in relation to the child's social behavior*. , Ph. D. , Universite de Montreal (Canada).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی